

در دست همه بشرین ارمغان حسین

غلامرضا مکی زواره

۱. خداوند از ابتدای خلقت راهبرانی را برگزید تا انسان بتواند به یاری آنها مسیر تکامل را بییماید و به درجهای نائل آید که حتی کرویbian از دست‌یابی به آن عاجزند. رهبران برگزیده‌ای که با جهان غیب و عالم ربوبی در ارتباط هستند و هم‌چون خورشیدی درخشان با پرتوافشانی خود این راه پر خطر را روشن می‌سازند.

رسول اکرم ﷺ آیینه تمام‌نمای هستی و نمونه انسان کاملی است که می‌توان به‌عنوان بهترین راهبر در نظر گرفت و پس از ایشان هم، تنها کسانی که می‌توان بر آنها تکیه کرد، سیزده اسوه انسانیت هستند که از قرآن و سنت نبی مکرم اسلام صیانت می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که آفت‌های تحریف سبب گمراهی انسان‌ها شود و آنها را به کژی بکشاند.

قیام کربلا گویاترین دلیل بر این مدعاست: قیامی که در حقیقت ترویج‌دهنده فرهنگ نبوی و در یک کلام بیمه‌کننده فرهنگ اسلام بود؛ فرهنگی که بذر آن در حجاز پاشیده شد و با رنج و مشقت‌های طاقت‌فرسای رسول اسلام به ثمر نشست. در حقیقت حماسه نینوا درصدد است جامعه اسلامی را به فضیلت‌های عالی و مکارم ملکوتی فرا خواند و بدیهی است جامعه‌ای که به این دعوت پاسخ مثبت گوید، هیچ‌گاه دچار تفرقه نمی‌گردد و استوار و پا برجا ارزش‌های الهی را پاس می‌دارد هرچند تهاجم فرهنگی و نقشه‌های دشمنان غیر این را بخواهند.

۲. امام حسین ﷺ به همراه یاران وفاداری که عشق خدا در دل، و شور جانبازی در سر داشتند، همه هستی خویش را در کف نهادند و شوری بی‌نظیر در تاریخ بشریت به‌وجود آوردند که سرمشق تمامی حق‌جویان شد. ایشان با اقدامی شجاعانه پرده از سیمای زشت بنی‌امیه برافکند و پایه‌های فساد اموی را متزلزل ساخت. امویان افزون بر این‌که در اداره کشور روشی ظالمانه در پیش گرفته و جهان اسلام را دچار رکود کرده بودند، سیاست تبعیض نژادی را ترویج می‌کردند و مردم را با معیارهای نادرست و غیر اسلامی دسته‌بندی می‌کردند. این روند به‌طور طبیعی به تفرقه‌افکنی میان مسلمانان انجامید و مردمان نواحی گوناگون را نسبت به یکدیگر بدبین کرد. حادثه کربلا چنین روند آفت‌زایی را باطل اعلام کرد و گامی اساسی در راه عزت و عظمت مسلمانان برداشت. همان‌گونه که پیامبر اسلام جامعه عصر خویش را از جاهلیت کفر و شرک رهانید، امام حسین ﷺ مردم را از جاهلیت اموی نجات داد؛ چراکه در شرایطی روزگار می‌گذرانید که ابرهای سیاه ستم امویان مانع تابش خورشید علم و معرفت شده و فرهنگ والای قرآن و سنت نبوی را در معرض تحریف قرار داده بودند.





۳. عاشورا نشان داد که در زیر سلطه، زیستن و سازش با استکبار یا مرگ و فنا مساوی است. از سخنان امام حسین (ع) و راهی که برای پیشبرد اهدافش برگزید، برمی آید که ایشان نه تنها زندگی کردن در این فضای آمیخته به فلاکت و بدبختی را روا نمی‌داند، بلکه اگر بنی‌امیه او را حمایت و اکرام کنند آن را مساوی با زبونی و ذلت می‌پندارد. بدیهی است شخصی با آن سجایای اخلاقی، مقامات عالی و افق‌های شکوهمند فضیلت نمی‌تواند با انسان‌هایی غرق در فساد و گناه و مروج رذالت کنار آید و سکوت در برابر آن همه فساد، با ایمان و کرامت و بزرگواری روح او سازگاری ندارد.

مسأله عاشورا یک درگیری عادی میان حکام اموی و حضرت اباعبدالله (ع) نبود، بلکه ایشان به عنوان پاسدار بزرگ اسلام ناب محمدی موقعیت حاکم بر قلمرو مسلمین را چنان خطرناک می‌بیند که اگر اقدامی عاجل صورت نگیرد، زحمات بسیار پیامبر اکرم (ص) ایثار امیرمؤمنان (ع) و تلاش‌های مادرش حضرت فاطمه زهرا (ع) و برادرش امام حسن مجتبی (ع) و مجاهدت‌های مسلمانان صدر اسلام به هدر می‌رود.

۴. بدون شک، قیام مقدس امام حسین (ع) را می‌توان سرچشمه و ریشه بسیاری از خیزش‌ها و خروش‌های حق‌طلبانه در برابر استعمار و استکبار و ستمگران دیگر دانست. قیام توانی به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی، قیام مختار، خروش زید بن علی و فرزند یحیی، حرکت‌های پر شور خاندان حسنی در برابر بنی‌عباس و دیگر نهضت‌هایی که در خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی صورت گرفت جویبارهایی هستند که از دریای خونین کربلا منشأ گرفته‌اند.

۵. استاد حسن ابراهیم حسن، مؤلف کتاب تاریخ اسلام گفته است «به شهادت رسیدن امام حسین (ع) در افزایش انسجام بین شیعیان اثرات محسوسی داشت. قبل از این رخداد آنها پراکنده بودند و گرایش‌های شیعی در حد یک نظریه سیاسی بود که در دل بسیاری از مردم نفوذی عمیق نداشت ولی با وقوع این حماسه، تشیع با خون فداکاران دشت نینوا درهم آمیخت و در اعماق قلب‌های شیعیان رسوخ کرد و عقیده آنان را در دفاع از حق و ستیز با ستم استوار ساخت».

دکتر کربوتلی، دانشمند و محقق مسلمان یادآور شده است «شهادت امام حسین (ع) و یارانش ضمن اتحاد شیعیان باعث شد شیعه به عنوان یک سازمان قوی با مبادی مکتبی و دینی مستقل در صحنه‌های اجتماعی جلوه‌گر شود». پروفیسور ادوارد براون اعتراف کرده است «در شیعیان پس از رخداد کربلا یک نوع تحول به‌وجود آمد و بر اثر این حادثه که یادآور ریختن خون فرزند پیامبر و عطش سخت وی و یارانش بود حتی عواطف سست‌ترین مردم به هیجان در آمد».

اینولر نیکلسن، محقق فرانسوی نیز گفته «این حادثه امویان را درهم شکست، اما شیعیان را متحد کرد و فریاد آنان را در همه جای جهان اسلام انعکاس داد».

۶. یزید که بر اریکه قدرت تکیه زده بود، از فرط شادی زیر لب نغمه‌هایی را در برابر اسیران کربلا می‌سرود. در آن زمان که هیجان انتقام از فتح بزرگ پدر و خندق او را تا سر حد جنون پیش برده بود، به ناگاه زینب کبری (ع) رسالت خود را آغاز کرد و در حالی که انگار زبان امیرمؤمنان علی (ع) را در کام داشت، فریادش چنان در کاخ امویان طنین افکند که قصر رؤیاهای شوم یزید را بر سر او و یارانش ویران ساخت؛ «ای یزید هر چه در توشه و توان داری به کار گیر. به خدا سوگند پیام ما خاموش نمی‌گردد و رسالت ما از میان نمی‌رود. چند روزی بیش از این باقی نخواهد ماند که بانگ قیام و اعتراض به گوش می‌رسد» و دیدیم که فریاد حق‌طلبانه آن شیرزن کربلا چگونه واقعیت‌های مسلم تاریخی را رقم زد. خلفای اموی، مروانیان، عباسیان و دیگر زمامداران خودسر کوشیدند چنان اختناق به وجود آورند که مبادا بار دیگر شور حسینی در جهان اسلام بر پا گردد. آنان حتی زیارت کربلا را ممنوع کردند و بر علاقه‌مندان بارگاه حسینی شدیدترین شکنجه‌ها را روا داشتند اما این صدای رسا چنان عالم‌گیر شد که غیر شیعه هم به آن گوش دل سپردند: شیخ محمد مدنی از مصر می‌نویسد «ما باید از محرم درس بیاموزیم» و شیخ عبدالله علایی درباره یک شب یادمان عاشورا که در مصر برگزار می‌شود، کتابی ارزشمند نگاشت و اقبال لاهوری متفکر پاکستانی چنین سرود:

رمز قرآن از حسین آموختیم
ز آتش او شعله‌ها آندوختیم
و مولانای عارف می‌سراید:
روز عاشورا نمی‌دانی که هست
ماتم جانی که از قرنی به است
پیش مؤمن ماتم آن پاک روح
شهره‌تر باشد ز صد توفان نوح

آیت‌الله بروجردی نقل کرده است «شیخ عبدالحلیم سلیم، شیخ اسبق جامع الازهر قاهره، استاد شیخ‌محمود شلتوت و از طرفداران جدی تقریب مذاهب اسلامی از حادثه کربلا به‌شدت ناراحت بود و می‌گفت: این فاجعه لکه ننگی بر دامن اسلام بوده و ای کاش رخ نداده بود».

۷. در انقلاب ۱۳۳۸ هـ.ق (۱۲۹۹ هـ.ش) عراق به رهبری میرزا محمد تقی شیرازی که در کربلا بر ضد استعمار انگلستان صورت گرفت، رؤسای قیایل پس از یک جلسه مهم در حضور این مرجع بزرگ به زیارت مرقد امام حسین (ع) مشرف شدند و با یکدیگر بیعت کردند تا به‌دست آوردن پیروزی یا شهادت از نبرد با متجاوزان دست برندارند. این انقلاب که با الهام از حماسه حسینی

و توأم با سوگواری در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین، کوفه، حله، رمادی، بعقوبه، دیوانیه و... پای گرفت، ضربات سنگینی به استکبار وارد کرد. بعد از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها و حکام بعثی در عراق، اگرچه عبدالکریم قاسم، عبدالسلام عارف، حسن البکر و صدام حسین سخت‌گیری‌های شدیدی برای شیعیان و عاشقان اهل‌بیت به‌وجود آوردند، اما برخلاف این فشارها و اهانت‌ها، مردم شدیدترین اعتراضات و تظاهرات سیاسی را با تأثیرپذیری از حماسه حسینی بر ضد این زورگویان ترتیب دادند. در محرم سال ۱۳۹۶ هـ.ق بزرگ‌ترین راهپیمایی مذهبی سیاسی توسط شیعیان صورت گرفت که بعثی‌ها را به هراسی شدید افکند و سبب شد که رژیم بر اختناق و دیکتاتوری خود بیفزاید. بیستم صفر ۱۳۹۸ هـ.ق مردم نجف در یک حرکت سیاسی با شکوه با پای برهنه راهی کربلا شدند و در مسیری هشتاد کیلومتری خواستار سقوط قدرت‌های باطل شدند. اگرچه قیام مردم سرکوب گردید و عده‌ای کشته و مجروح شدند یا در زندان‌ها با شکنجه‌های شدید به شهادت رسیدند، ولی وفاداران به حماسه حسینی راه مبارزه را قوی‌تر از گذشته پیش گرفتند.

۸. در دیگر نقاط جهان اسلام نیز باید زمینه‌های فرهنگی فراهم شود تا مسلمانان و تمامی تشنگان حق و عدالت با این مشعل فروزان بیش‌تر آشنا شوند و به برکت این قیام با شکوه از دستاوردها و ارمغان‌های ارزنده‌اش برخوردار شوند در این میان، از مهم‌ترین رسالت‌های اهل فرهنگ و اندیشه آن است که تابناکی چنین قیامی را برای جهان - نه برای جامعه‌های خاص - روشن کنند؛ چراکه حادثه کربلا نه تنها در تاریخ اسلام، بلکه در میان اقوام و ملل و سرگذشت پیامبران رخدادی بی‌نظیر است و جای تأسف است که برخی تنگ‌نظری‌های فکری و سیاسی اجازه نداده است جویبارهای جاویدان عاشورا در دشت‌های تشنه انسانیت جاری شود و نهال ایثار و فرزانی جوانه زند.

البته نباید اجازه داد این مراسم در معرض برخی آسیب‌ها و آفت‌ها قرار گیرد و از محتوای پر بار، غنی و فراگیر خود جدا شود. بدیهی است سوگواری در ماتم این خاندان عترت، محبت نسبت به آنان را بارور می‌کند، اما عده‌ایی سوگ‌مندانه مظلومیتی مضاعف را برای عاشورا رقم می‌زنند و گویی پیام اصلی آن را از یاد می‌برند و اموری را به عنوان غایت این قیام در نظر می‌گیرند که نه تنها هدف نهضت حسینی را تنزل می‌دهد، بلکه از بازدهی آن می‌کاهد. اینان وارستگی‌ها، اخلاص‌ها و پاکی‌ها را به حاشیه می‌رانند و با دورماندن از حقایق ناب عاشورایی و بی‌اعتنایی به هویت اصیل این حماسه، زمینه‌های انحراف، بدعت و جاهلیت را پدید می‌آورند، در نتیجه همان اموری که امام حسین (ع) برای فنا و زوالشان قیام کرد دوباره احیا می‌شوند. ●